



یادداشت

علی مانده و حوض اش

صادق کار



هر چه به سالروز قتل ژینا و آغاز جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی نزدیکتر می شویم ترس و دلهره رژیم از اینکه کنش مردم نسبت به آن و جنایاتی که طی این مدت علیه مردم صورت گرفت چگونه خواهد بود، بیشتر می شود. با اینکه علی خامنه‌ای و سرکردگان دستگاه سرکوب تظاهر به پیروزی می کنند، با این وصف قادر به نماندن ترس و دلهره ای که وجود شان را فرا گرفته از اذهان مردم نیستند.

بهمین خاطر است که با نزدیکتر شدن یک سالگی جنبش انقلابی که در تمام تاروپود جامعه ریشه دوانیده و فرهنگ انقلابی خود را بر جای فرهنگ سنتی و محافظه کارانه و پر هزینه حاکم نموده است، رژیم در تقلاست با تشدید سرکوبها و بگیر و ببندهای تازه و هر آن کسی که خیال می کند می تواند حرکتی به راه بیندازد را روانه زندان نماید بلکه جلوی شعله ور شدن دوباره آتشی را که قیام ژینا خلق کرد بگیرد.

رژیم تا کنون هزینه گزافی برای خلوت کردن خیابانها پرداخت کرده است. اما می داند کنترل اش بر خیابانها موقتی و مصنوعی است. تهی کردن خیابانها از مبارزین در شهرهایی که مملو از مخالفان رژیم هستند، برای مدت طولانی ممکن نیست. انتقال موقت مبارزه به داخل خانه ها و محل های کار است. بهمین جهت



است که رژیم در این مقطع تمرکز سرکوب را روی تشکلهای سندیکایی، مدنی و جنبش‌هایی قرار داده که تصور می‌کند می‌توانند نقش سازمانگران تحرکات آتی را به عهده بگیرند. بازداشت و احضار و محاکمه ده‌ها معلم، کارگر، وکیل، دانشجو، زن، و پیگرد تعداد زیادی از هنرمندان زن و مرد و در نظر گرفتن مجازاتهای عجیب و غریبی که فقط در عالم دیوانگان تصورشان می‌رود، همراه با روانه کردن سیل تهدیدهای عجیب و غریب، بازتاب وحشت و اضطراب رژیم از نزدیک شدن سالگرد جنبشی است که خواب و آسایش را از جنایتکاران حاکم ربوده و حالت قاتلی را پیدا کرده‌اند که بعد از قتل دلهره از مجازات سرپای وجودش را در بر گرفته و امانش را بریده است.

ترس از بریدن هواداران سابق رژیم را که در ایام محرم حالت دسته‌جمعی به خود گرفته و کارشان از سکوت گذشته و به فریاد علیه حکومتی که آنها را "یزدی" می‌خوانند کشیده شده را اگر به ترسهای پیشین بیفزایم بیشتر به احوالات آنها پی می‌بریم. قبل از این کی سراغ داریم که مردم مراسم پر زرق و برق و چرب و چیلی عزاداری حکومتی را در اوج فقر و نیاز رها کنند و در تکایا و مساجد محلات خودشان سرودهای آرایخواهانه و انقلابی همچون (از خون جوانان وطن لاله دمیده را دم بگیرند و آن را جایگزین نوحه خوانی‌های سنتی و حکومتی کنند و از جان باختگان و آسیب دیدگان جنبش تجلیل و عوامل کشتار مردم را محکوم کنند؟

رژیم سعی کرد از مراسم محرم برای توجیه سرکوب مردم و حمایت از خودش بهره بگیرد، خامنه‌ای و سرداران دستگاه سرکوب به یک چنین حمایتی دل بسته بودند، اما مردم با تبدیل مراسم ماه محرم به ضد رژیم آنها را ناکام کردند و نشان دادند رژیم دیگر حتی میان مذهبی‌ها هم فاقد پایگاه شده است و سیید علی و حوض اش مانده با تعدادی تفنگچی و شکنجه‌گر حرفه‌ای پول پرست و چند آخوند فاسد و دزد امثال علم الهدی، دو هفته پیشتر نیز (جانبازان) دوران جنگ هشت ساله برای چندمین بار در اعتراض به رها شدن در ورطه فقر و تنگدستی به خیابان آمدند و بیزاری خود از اشراف حاکم را اعلام کردند.

چنین رژیمی با این همه فساد و جنایت و ناکارآمدی، با وجود چنین مخالفت توده‌ای عظیم و بحران‌های بزرگی که آن را در میان گرفته‌اند و اشتیاق زیادی که در میان جامعه برای به زیر کشیدن آن از قدرت به چشم می‌خورد، نمی‌تواند از فرا رسیدن سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی بر خود نلرزد. حالا زمان آن رسیده که این جمعیت عظیم زودتر دست بکار شود و با سازمان دادن خود و اتحاد و همبستگی کشور و مردم را از شر این رژیم تبهکار و فجایع بیشتر برهاند.

پیروزی از آن مردم مصمم و متحد است و شکست و نابودی سرنوشت اجتناب‌ناپذیر رژیم ستمگر و فاسد است

**از اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران برای**

**افزایش دستمزد و حقوق و سایر مطالبات سندیکایی حمایت کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**

کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش دوازدهم  
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک  
ژان مانیات



گواتمالا: قریب 900000 کودک کار، 43% کودکان محروم از مدرسه

### تعهدات اصلی کشورها برای مقابله با کار کودکان – ادامه 3.1.

در نشستها، کنفرانسها و فورومهای مختلفی در آمریکای لاتین به موضوع کار کودکان پرداخته شده است. بررسی نسبتاً مفصلی از فورومهای مورد نظر در گزارش رویکردهائی برای تغییر: تحلیل برنامه های ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان در آمریکای لاتین و کارائیب، که در سال 2006 توسط سازمان بین المللی کار انتشار یافت، انجام گرفته است. اما دو کنفرانس در این زمینه، برای تحقیق حاضر اهمیت ویژه ای دارند. مورد اول، هفتمین کنفرانس وزیران و مقامات بلندپایه ایرو-امریکائی\*، مسئول امور کودکان و نوجوانان، است که در 26 و 27 سپتامبر 2005 در لئون، اسپانیا برگزار شد. در «اعلامیه لئون» که حاصل این کنفرانس بود، نمایندگان 21 دولت ایرو-آمریکایی حاضر در آن، موافقت کردند که "با علل پایه ای و زاینده فقر، طرد اجتماعی و بازتولید بین نسلی این مسائل اجتماعی، از جمله با تلاش برای ریشه کن کردن تدریجی کار کودکان و حذف فوری بدترین اشکال آن و انواع استثمار کودکان و نوجوانان مبارزه کنند

دومین نشست پراهمیت، شانزدهمین نشست منطقه ای سازمان بین المللی کار در سال 2006 در برزیل است، که نمایندگان طرفهای "سه جانبه گرائی" (دولتها، کارگران و کارفرمایان) کشورهای منطقه، دستور کاری را، با عنوان "دستورکار نیمکره جنوبی برای ایجاد کار شایسته در فاصله 2006 تا 2015" تدوین کردند و مجدداً بر ریشه کن کردن کار کودک در بلند مدت و حذف فوری بدترین اشکال آن تأکید کردند

دستور کار نیمکره جنوبی برای ایجاد کار شایسته "... یک سری اهداف استراتژیک و فراگیر را برای ترویج " کار شایسته در منطقه بیان می کند و شامل یک استراتژی مفصل از راهکارهائی است که اقدامات در زمینه های اقتصادی، بازارهای کار، نهادهای اجتماعی، و ناظر بر هنجارها را شامل می شود

این استراتژی "حفظ مؤثر اصول و حقوق اساسی کار" را پیش می نهد. از زمره موارد مرتبط با کار کودکان در این استراتژی ناظر بر "ریشه کن کردن تدریجی کار کودک" دو هدف زیر زمانبندی و صورتبندی شده اند: الف) حذف بدترین اشکال کار کودک در یک بازه زمانی 10 ساله (یعنی تا 2015)، و ب) حذف کامل کار (کودک در یک بازه زمانی 15 ساله (2020)

برای دستیابی به این اهداف سیاستهای زیر مطرح شده اند



الف) استقرار یک مرجع ملی که مسئول تلفیق تلاشهای رسمی و فعالان اجتماعی در چارچوب یک طرح ملی است، با اختیار و ظرفیت برای اجرا و پیگیری طرح مذکور از جمله، اما نه فقط، از طریق نظام دقیق شاخصها؛

ب) یکپارچه کردن اقدامات وزارتخانه های اقتصاد و امور اجتماعی و ایجاد یکپارچگی در اقدامات این دو وزارتخانه و وزارتخانه های کار، آموزش و پرورش و بهداشت؛

ج) تطبیق قوانین ملی با تعهدات ناشی از موافقتنامه های شماره ۱۳۸ و شماره ۱۸۲ سازمان بین المللی کار و اقدام برای استقرار توریته ها و کارگزاران لازم برای اجرای این قوانین؛

د) تهیه و تنظیم فهرست مشاغل خطرناک مبتنی بر اجماع طرفهای "سه جانبه گرایی"، ردگیری بدترین اشکال کار کودک به منظور پیشگیری از اعمال آن، و هر اقدام دیگری برای نجات و توانبخشی کودکانی که به این قبیل کارها واداشته شده اند؛

ه) گنجاندن ریشه کن کردن کار کودکان در عموم سیاستها و برنامه های اجتماعی و اقتصادی برای توسعه، به ویژه برنامه هایی که ناظر به کاهش فقر کودکان و نوجوانان اند؛

و) توجه ویژه به بافت روستایی، و حمایت از شکوفائی مولد بیکاران و "جزئی کاران" در بخش روستایی، از جمله با پیشبرد فعال سیاستهای ناظر بر اشتغال و بازار کار؛

ز) بهبود عرضه آموزش، اعم از آموزش عمومی و حرفه ای؛

ح) تشویق سیاستهای حمایتی برای رسمی سازی بخشهایی که تعداد زیادی از کودکان کار در آن اشتغال دارند؛

ط) تدوین برنامه های لازم برای "انتقال مشروط" کودکان به سیستم آموزش عمومی و/یا حرفه ای، با هدف بهبود دسترسی، ماندگاری و ادغام مجدد آنان؛

ی) اندازه گیری جامع، مستمر و دوره ای وضعیت کار کودکان، برای تسهیل تصمیم سازیهای بعدی و آگاهی از اثرات برنامه های پیش رفته

از آنچه گذشت، می توان نتیجه گرفت که به کفایت قوانین ملی و تعهدات بین المللی وجود دارند که باید تضمین کنند کودکان تا ۱۴ ساله آمریکای لاتین دیگر قربانی کار کودک نشوند. با این وجود، چنان که در فصل اول دیدیم، واقعیت چیز دیگری است. بنابراین از میان سیاستهای پیشنهادی "دستور کار نیمکره برای ریشه کن کردن کار کودکان..." آن سیاستی که بر ضرورت "گنجاندن ریشه کنی کار کودکان در عموم سیاستها و برنامه های اجتماعی و اقتصادی برای توسعه، به ویژه آن برنامه هایی که ناظر به کاهش فقر کودکان و نوجوانان اند" اشاره دارد، به عنوان یک نقطه عزیمت، برای تحقیق حاضر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این زاویه در بخش بعدی تحلیل شده است

ایرو-امریکائی: کشورهای اسپانیائی و پرتغالی زبان قاره آمریکا. گاه این اصطلاح خود اسپانیا و پرتغال را \* نیز شامل می شود

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!**



## تبعیض مضاعف نسبت به زنان سرپرست خانواده

صادق



انیسه خزعلی معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده"، اخیرا از نیاز ۴ میلیون زن سرپرست خانواده به " کمک خبر داده است. به گفته خزعلی ۶ میلیون زن سرپرست خانواده در کشور هستند که ۴ میلیون نفرشان نیازمند گرفتن کمک های مختلف هستند

نکته قابل مکت در اظهارات خانم خزعلی این است که برنامه های دولتی تا کنونی نه تنها در ایجاد اشتغال پایدار و بهبود وضعیت زنان سرپرست خانواده موفق نبوده است، بلکه همانطور که در گزارش او نیز تاکید شده، همچنان ۴ میلیون از ۶ میلیون زن سرپرست خانواده علاوه بر کمک مالی به کمکهای حقوقی و قانونی و... نیز نیازمند باقی مانده اند

حالا او می خواهد دختران جوان جویای کار را نیز که نباید تعداد کمی باشند بجای ایجاد اشتغال درست و حسابی برایشان سرگردان نگه دارد و آنان را نیز در سر نوشت رنجبار زنان سرپرست خانواده سهیم کند

برنامه دولت آنطور که خزعلی شرح داد، در واقع ادامه همان برنامه هایی است که کمیته امداد و نهادهای خیریه مرتبط با آن تاکنون در این خصوص انجام می داده اند. و دادن تسهیلات به "بانوان کارآفرینی که زنان سرپرست خانوار را بکار بگیرند و مشتری تعارف و وعده ی دیگر، خلاصه شده و هیچ نکته ی تازه ای در آن نیست

او بر کسب و کار پایدار خانواده محور تاکید کرد و معلوم کرد که مایل است برای در خانه نگه داشتن زنان حتی الامکان مشاغل را نیز از محل های کار به داخل خانه ها منتقل کند. مشاغل خانگی اتفاقا همان نوع اشتغال محبوب و مطلوب برای بازاری ها و همچنین بخشی از صاحبان موسسات تولیدی هستند. سپردن کارهایی که امکان انجام آنها در خانه ها میسر می باشد، مزیت های نسبی بهتری برای تولید کنندگان آنها دارد. زیرا دستمزد کمتری می دهند، دستشان برای بیمه نکردن کارگر باز تر است، بسیاری از مزایای مزدی



را به کارگر پرداخت نمی کنند و هیچ تعهدی هم نسبت به کارگران خانگی ندارند و جای فرار مالیاتی هم دارند.

در عوض کارگرانی که می پذیرند در خانه خودشان کار بپذیرند، از تمام حقوق اولیه خود به دلیل نوع رابطه کاری محروم می شوند و نه بیمه درمانی و بازنشستگی به آنان تعلق می گیرد و نه حقوق بیکاری به آنها می دهند. دستمزدها هم بسیار نازل است و طرف برای جبران دستمزدهای نازل مجبور به ساعات کار طولانی تر و فرساینده تری می شود.

ایجاد محدودیت بر سر کارکردن زنان در ایران یک مسئله ی عمومی است، اما تبعیض و محدودیت و محرومیت علیه زنان سرپرست خانواده به مراتب بیشتر از سایر زنان است.

رژیم اصولاً علاقه ای به اشتغال زنان ندارد. رهبران و دست اندرکاران رژیم به کرات به اشکال مختلف علاقه خود به محبوس کردن زنان در خانه و تشویق آنان به بچه آوری را نشان داده اند. در واقع با ایجاد انواع محدودیت بر سر راه کار کردن زنان و محروم کردن نیمی از جمعیت کشور از کار زنان، ضربات غیر قابل جبرانی بر آنان و کل کشور وارد می سازند.

اعمال محدودیت ها بر سر راه اشتغال زنان در دوره رئیسی به سرعت رو به افزایش نهاده است و موجب کاهش نرخ رسمی اشتغال زنان از ۱۷.۴ درصد در سال ۹۷ به ۱۳.۳ درصد در زمستان گذشته شده است. اگر علاقه و تلاش شخصی زنان برای کارکردن نبود این آمار می توانست به مراتب بیشتر هم باشد. بخشی از آمار نیز مربوط به اشتغال های ناپایدار است. برای همین هست که دولت بجای تلاش جهت ایجاد اشتغال پایدار برای زنان سرپرست خانواده به دنبال پیدا کردن مشاغل ناپایدار و بی ثبات کار خانگی به جهت قطع کمکهای اندکی است که با کلی قید و شرط به آنها می دهد تا ضمناً آنها را مجبور به کارهایی کم مزد و مزایا که بی شباهت با بیگاری نیست وادار نماید.

در اکثر کشورهای که دولت هایشان نسبت به اهمیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کار زنان در توسعه و رفاه جامعه و خانواده ها واقفند سعی می کنند با ایجاد تسهیلاتی مانند مهد کودک و غیره شرایط برای اشتغال زنان را مهیا کنند تا جامعه را از ارزش آفرینی نیمی از جمعیت خود محروم نکنند و بتوانند به رفاه خانواده ها از طریق آن یاری رسانند. در ایران اما نه تنها اقدامی برای کمک به کارکردن زنان که در واقع از لحاظ صرف اقتصادی نیز یک سرمایه گذاری سودمند با بازده بالاست انجام نمی گیرد بلکه شرایط برای کارکردن زنان روز به روز دشوارتر می شود و زنانی نیز که مشغول کار هستند همواره تحت فشار و تبعیضات مضاعف قرار می گیرند تا نتوانند به کار کردن ادامه بدهند. با این احوال و به رغم همه ی فشارهای که برای بیرون راندن زنان از بازار کار و محدود کردن آنها به کارخانگی و بچه آوری توسط قشربون و متحجرین حاکم به عمل می آید، لشگر پر شمار و شورشی زنان مشغول ضد حمله و فتح جایگاه واقعی خود به مثابه نیمی از جامعه با خواست برابر حقوقی کامل با نیمه دیگر جامعه است.

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**



فیل تان دیر هوای هندوستان به سرش زده

صادق



شرکت داروگر یکی از قدیمی ترین صنایع نوین کشور که محصولات مختلفی را تولید می کرد به نظر می رسد به پایان عمر خود رسیده و اقدام صوری و تبلیغاتی دولت برای بازگرداندن آن به حیات به نظر نمی رسد بتواند دوام چندانی بیاورد .

کارگران شرکت که تصور بسته شدن این مجتمع بزرگ قبلا به ذهنشان خطور نمی کرد الان در مقابل واقعیت تلخ بیکاری دسته جمعی قرار گرفته و از آن بدتر نمی دانند در صورت بسته شدن کامل حق و حقوق سالهایی را که طلب دارند چه کسی باید به آنها پرداخت کند

کارگران شرکت با همه بزرگی و قدیمی و مدرن بودن اش مانند همه ی واحدهای تولیدی و صنعتی فاقد تشکل مستقل کارگری هستند و بجای آن برایشان شورای اسلامی درست کرده اند که تا قبل از تصمیم به تعطیلی شرکت کارش رقصیدن به ساز حکومت و کارفرما بود و حالا که شتر بیکاری و اخراج جلوی خانه اعضای خود شورا هم خوابیده و مجبور به تقلا شده، کار از کار گذشته و تقلاهایش ره بجایی نمی برد و سرنوشتی مشابه سایر کارگران را انتظار می کشد

شورا حالا که پای خودش هم در میان است تصمیم به پیگیری مطالبات کارگران گرفته است، از هر سو با درهای بسته روبرو شده و دیگر نه مسئولین اداره کار و نه هیچ نهاد دولتی ذیربط دیگری نه تنها به شکایات آن وضعی نمی گذارند، بلکه یکی از اعضای شورای اسلامی به " نام حسین یوسف نژاد" را به رغم داشتن ۱۷ سال سابقه کار از شرکت اخراج کرده اند

حسین حبیبی عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، که یک تشکل حکومتی و حکومتمدار است، در واکنش به اخراج یک عضو شورای اسلامی داروگر که جزء زیر مجموعه ی کانون عالی است به اعتراض برخاسته و مطالبی را در این خصوص بر زبان آورده که اگر چه نامربوط به موضوع نیست اما دیر هنگام، بی تاثیر در قضیه و گزینشی هستند و غیر ممکن است دولتمردان ذیربط به آن توجه نمایند

حبیبی در مصاحبه ی خود که مخاطب اصلی آن هم روشن نیست، و روز گذشته در خبرگزاری ایلنا منتشر شد، پس از بر شمردن شرایط کار شایسته، از عدم رعایت مقررات سازمان بین المللی کار راجع به کار شایسته و همچنین از حق شورای اسلامی شرکت برای پیگیری حقوق کارگران و مصونیت اعضای شورای اسلامی از اخراج انتقاد کرد و گفت: " کار شایسته چهار ویژگی اصلی دارد، اول آزادی، دوم برابری، سوم امنیت شغلی و اجتماعی و چهارم حفظ کرامت انسانی"



و در بخش دیگری افزود " کار شایسته به این معنی است که همه افراد بتوانند به شغلی دسترسی داشته که درآمد منصفانه، جایگاه اجتماعی، برابری فرصت و امنیت را برای آنها و خانواده‌شان فراهم کند. کار شایسته یعنی افزایش شانس به دست آوردن شغل مولد با دستمزد عادلانه در شرایط قابل قبول و آزاد. ... حقوق بنیادین کار شامل حق تعیین سرنوشت، حق رویه قضایی عادلانه، حق آزادی اندیشه و بیان، حق ... آزادی اجتماع و انجمن شامل تجمع و حق داشتن تشکل و امنیت تشکل

قانون مرتبط با کار شایسته که آقای حبیبی در مصاحبه اش به آنها پرداخته است جدید نیست. این قانون مدتهاست در سازمان بین المللی کار به تصویب رسیده است و در تعداد زیادی از کشورها عملاً در حال اجراست. دولت وقت ایران نیز ظاهراً متعهد به اجرای مقررات مربوط به کار شایسته شده است، با این همه نه دولتهای تا کنونی حاکم در ایران و نه آقای حبیبی و رفقای اش در کانون عالی شوراهای اسلامی کار کوچکترین گامی جهت اجرای آن برداشته اند، بلکه در جهت معکوس با آن حرکت کرده‌اند. دولت با تعدیل و تغییر پیوسته حقوق کار و بازداشت و زندانی کردن رهبران و فعالین تشکلهای صنفی مستقل، و کانون عالی شوراهای اسلامی نیز با مشارکت فعال در سرکوب سندیکاها و شوراهای کارگری مستقل خلاف جهت کار شایسته عمل کرده‌اند

هم اکنون نیز تعداد زیادی از رهبران تشکلهای صنفی معلمان، سه تن از رهبران سندیکای واحد و عده از فعالین کارگری دیگر به خاطر پیگیری حقوق سندیکایی و در راستای عملی کردن کار شایسته هر یک به سالها زندان محکوم شده‌اند. ولی حتی برای یک بار هم که شده نه حسین حبیبی و نه هیچیک دیگر از اعضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار بخاطر زندانی و سرکوب کردن رهبران تشکلهای نامبرده لب به اعتراض نگشوده‌اند!

آیا این یک سیاست یک بام و دو هوا نیست؟ آیا مقررات کار شایسته تا قبل از اخراج یک عضو شورای اسلامی تمام و کمال اجرا می شده و با اخراج این آقا که در هر صورت اخراج وی نیز محکوم است، مخدوش شده است؟ یا حسین حبیبی تا حالا کور و کر بوده است که متوجه زندانی کردن و اخراج و تبعید هزاران فعال سندیکایی در طول دورانی که او بر مسند قدرت نشسته نشده است؟

آقای حبیبی متأسفانه خیلی دیر فیل اش هوای هندوستان کرده و زمانی به یاد در محاق ماندن کار شایسته و آزادی تشکل افتاده است که حکومت با کمک امثال او حتی اثری از قانون کار باقی نگذاشته است تا که برسد به قانون "کار شایسته"! او اگر به راستی به حرفهایی که در مصاحبه اش زده اعتقاد دارد، باید بلافاصله از تشکیلات حکومتی کانون عالی که در تمام دوران فعالیت اش در خدمت اهداف پلید سرمایه داران حاکم و دولتهای تا کنونی عمل کرده و در بی حقوق سازی نیروی کار نقش همدست آنها را بازی کرده و می کند، کناره گیری کند. مگر نه این است تشکلی که او نمایندگی اش را به عهده گرفته خود نافی همه آن چیزهایی است که در مقررات کار شایسته به وضوح بیان شده اند؟

سرمایه دار و دولت اگر زیر بار قوانین کار داخلی و بین المللی نمی روند و خلاف آن رفتار می کنند در واقع عمل شان ناظر بر افزایش سود و اختصاص سهم حداکثری از ارزش افزوده ای است که کارگر تولید می کند، اما تشکلهای وابسته که به نام کارگر خود را آلت دست دولت و کارفرمایان می کنند و به آنها کمک می کنند تا راحت تر به اهداف شان برسند، به واقع خائن به حقوق کارگر و جز بدترین دشمنان طبقه کارگر هستند

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!**





ادامه اعتراضات مستمر گروه های مختلف بازنشستگان

تجمع بازنشستگان کارگری اهواز، شوش و کرمانشاه  
بازنشستگان اهواز، شوش و کرمانشاه خواستار اجرای صحیح مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی و ترمیم  
مستمری ها شدند

تجمع بازنشستگان کارگری اهواز، شوش و کرمانشاه  
به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (هشتم مرداد ماه) جمعی از بازنشستگان در شهرهای اهواز، شوش و  
کرمانشاه در اعتراض به وضعیت معیشتی مقابل سازمان تامین اجتماعی جمع شدند  
خواسته های این بازنشستگان، ترمیم مستمری و دریافت حقوق بالاتر از خط فقر، برخورداری از خدمات  
درمانی رایگان، ارتقای خدمات رفاهی و اعاده استقلال سازمان تامین اجتماعی است



پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران به شرایط معیشتی خود اعتراض کردند  
تجمع پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران/ تعرفه گذاری ناعادلانه «شکست خورده» است  
به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز هشتم مردادماه، جمعی از پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران به شرایط  
شغلی و معیشتی خود اعتراض کردند  
این پرستاران می گویند: ما خواستار اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری هستیم؛ تعرفه گذاری اجرا شده بسیار  
ناعادلانه است؛ ضمن اینکه درخواست داریم معوقات ما فوری پرداخت شود  
این پرستاران، تعرفه گذاری در دست اجرا را «شکست خورده» توصیف می کنند  
اجرای فوق العاده خاص کادر درمان و پرداخت مزایای آن، یکی دیگر از خواسته های پرستاران بیمارستان امام  
خمینی تهران است. آن ها خواستار رفع تبعیض و برقراری عدالت مزدی هستند



گران کردن دوباره نان از مشهد شروع شد در این هفته گران شدن قیمت رسمی نان سهمیه‌ای این بار از مشهد، شروع شد. هر بار که دولت تصمیم به افزایش قیمت نان می‌گیرد، افزایش را به جهت مدیریت اعتراض احتمالی مردم ابتدا از یک شهر و استان شروع می‌کند و سپس آن را سراسری میکند. این بار نیز از همین حيله استفاده نموده و قصد دارد آن را سراسری کند. مدتی پیش قیمت نان بصورت چراغ خاموش با چراغ سبز دولت توسط ناوایی‌ها شروع شد. دولت در آن موقع خبر گران شدن نان را تکذیب و اعلام کرد قصد ندارد قیمت نان را افزایش دهد. اما مثل همیشه زیر قول اش زد. گران شدن دوباره نان در حالی انجام می‌گیرد، که دولت با دستکاری آمار، تورم مدعی کاهش ۱ درصد تورم شده است.

قیمت جدید نان

نان در خراسان رضوی ۴۰ درصد گران شده است. براساس نرخنامه جدید نان در استان خراسان رضوی : که سوم مردادماه منتشر شد، نان بربری سنتی یارانه‌ای که تا روز قبل از آن با قیمت ۸۵۰ تومان فروخته می‌شد به نرخ ۱۲۰۰ تومان به دست خانوارها می‌رسد؛ تافتون سنتی یارانه‌ای از ۶۵۰ به ۹۰۰ تومان، سنگک یارانه‌ای از ۱۴۰۰ به ۲ هزار تومان و بربری خراسانی نیمه یارانه‌ای از ۱۳۰۰ به ۱۸۰۰ تومان رسیده است. و نکته اصلی اینجاست، در این جمله‌ی رئیس اتحادیه‌ی ناوایان مشهد: «برنامه افزایش قیمت نان» مربوط به خراسان رضوی نیست و به مرور در تمام کشور اجرایی خواهد شد.



خودکشی

چهارمین خودکشی در یک واحد پتروشیمی موجب تجمع اعتراضی کارگران به دلیل بی تفاوتی مدیریت و حکومت نسبت به سبب خودکشی‌ها پیایی شد. این خودکشی‌ها اگر چه روش اعتراضی نامناسبی است، با این وصف حاکی از فشارهای شدیدی است که در محل‌های کار علیه کارگران اعمال می‌شود و



قانونی اردوگاهی را در واحدهای تولیدی و در واقع مقصر اصلی آن کسی غیر از دولت و کارفرمایان که بی خدماتی مستقر کرده‌اند نیت. عوامل و باعث و بانی این خودکشی‌ها باید محاکمه و مجازات شوند!



آنیشا اسداللهی معلم و مترجم به زندان رفت

آنیشا اسداللهی معلم، فعال کارگری و مترجم سندیکای کارگران شرکت واحد، برای گذراندن حکم ۵ سال حبس به زندان اوین رفت

وی به اتهام اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام به ۵ سال و ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده است که ۵ سال آن قابل اجرا است

در اردیبهشت ۱۴۰۱ آنیشا اسداللهی به همراه همسرش کیوان مهندی و تعدادی از معلمان و فعالین کارگری، از جمله اعضای سندیکا، در پرونده موسوم به دو فعال سندیکایی فرانسوی دستگیر شدند. ایشان با قید وثیقه به طور موقت آزاد شد و همسر ایشان، کیوان مهندی، همچنان با گذشت بیش از یکسال در کنار دیگر معلمان و کارگران در زندان به سر می‌برد و از آزادی ایشان ممانعت می‌شود

سندیکای کارگران شرکت واحد حکم صادره علیه آنیشا اسداللهی را بشدت محکوم میکند. حکم آنیشا اسداللهی و اتهامات واهی و احکام ناعادلانه علیه ایشان ذره ای حقانیت و وجاهت قانونی و انسانی ندارد و باید بطور کامل ملغی گردند

سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر خواهان لغو احکام سنگین صادر شده علیه فعالین کارگری و معلمان بوده و خواستار مختومه اعلام کردن پرونده-سازی موهوم علیه فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان و فعالین مدنی می باشد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مرداد ۱۴۰۲ ۴

چاره کارگران و زحمتکشانشان وحدت و تشکیلات



● صدور حکم ۴ سال زندان برای  
ریحانه انصاری نژاد

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت  
تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

**sabosob@gmail.com**

\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید  
در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>